



محمد آفتابسوار

کارنامه سیاه حکومت ایران

وحشیگری از سوی حاکمیت همچنان ادامه دارد. رفتار و عملکرد وحشیانه در درجه اول خصلت این نظام جهل و خون و جنایت است. در هر زمینه‌ای که نگاه می‌کنیم شاهدیم که نقض کردن حقوق انسانها در بالاترین سطح ممکن انجام می‌شود.

نظام حاکم از همان سالهای اولیه از شیوه سرکوب برای استقرار جمهوری اسلامی استفاده کردند و همه مخالفان سیاسی را بزرگ ضرب گرفته‌اند. در این سی و چند سال گذشته از نظام حاکم همه نوع قساوت دیده شده است. کسانی که در بازداشت‌های موقت به سر می‌برند و مشخص نیست که اصلا به چه جرمی و با چه هدفی دستگیر شده‌اند و زیر انواع شکنجه‌های روحی و جسمی و گذشته از آن ماهها در زندانها بلا تکلیف هستند.

فشار بر مردم در تمام عرصه‌ها دیده می‌شود و حکومت با ایجاد کردن فضای خفقان در کشور می‌خواهد ثباتش را برای مدتی دیگر حفظ کند. از مردم معترض و روزنامه نگاران و عکاسان و فعالین دانشجویی گرفته تا فعالین کارگری و اقلیتهای ملی و مذهبی و فعالین سیاسی، همه و همه در این مدت هزینه‌های سنگینی را برای خواسته‌هایشان پرداخت کرده‌اند. ادامه در صفحه ۶

مصاحبه با عبدالله اسدی در مورد شرایط جدید پناهندگی



عبدالله اسدی

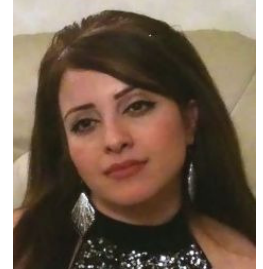
انسان دوست و رفیق صمیمی خود را از دست بدهد؛ حقیقتا بعضی اوقات فکر می‌کنم ای کاش من هم مذهبی بودم و این اتفاقات را به کار خدا ربط می‌دادم و میگفتم خدا خودش از روز اول سرنوشت رثوف و منصور را اینطور رقم زده بود و با این توضیحات به خودم تسلی خاطر می‌دادم.

با این حال من به سئوالات شما پاسخ می‌دهم و با پاسخ به سئوالات شما سعی می‌کنم دوباره به عرصه فعالیت برگردم؛ به عرصه فعالیت برگردم چون در اثر فعالیت من آدمهای زیادی می‌توانند راحتتر زندگی کنند.

همبستگی: با تشکر از شما. اوضاع امروز پناهندگی را چگونه ارزیابی می‌کنید منظورم از طرح این سؤال ادامه در صفحه ۳

همبستگی: با سلام به شما عبدالله اسدی این روزها روزهای سختی برای شما بود. مرگ نابهنگام فرزندان رثوف و به دنبال آن مرگ منصور فرزند در فاصله خیلی کوتاهی بی شک برای شما سخت و جانگداز بود. می‌خواهم برای خوانندگان نشریه همبستگی توضیح دهید در حال حاضر در چه موقعیتی هستید آیا فکر میکنید که در شرایطی هستید که باز به عرصه فعالیت برگردید؟

عبدالله اسدی: من هم به شما و دوستانان نشریه همبستگی سلام می‌کنم. سعی میکنم در حد امکان به سئوالات شما پاسخ بدهم. مرگ فرزند بسیار سخت و جانگداز است و بسیار دردناکتر میشود، هنگامی که



نازنین صدیقی

یادداشت سر دبیر

پس از مدتی تأخیر، نشریه همبستگی منتشر شد. در ابتدای سال ۲۰۱۱ به علت بیماری موفق به انتشار نشریه نشدم و پس از آن با اتفاقاتی که رخ داد انتشار این نشریه به تأخیر افتاد. ۱۲ ژانویه رثوف مهربان و همیشه خندان، فرزند عبدالله اسدی دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سن ۲۹ سالگی در يك واقعه ناگوار درگذشت و چندی پس از آن یعنی در ۱۳ فوریه منصور فرزند یار و رفیق و هم‌زمان را بطور ناگهانی از دست دادیم. مرگ رثوف عزیز و منصور بسیار سخت و جانگداز بود.

سال ۲۰۱۰ میلادی را با فراز و نشیبهای بسیاری که در سطح بین المللی داشت پشت سر گذاشتیم. ایران چه در عرصه اقتصادی و چه در عرصه سیاسی متحمل ضربات بسیار سختی شد گرچه سردمداران نظام به آن اقرار نمیکند. مسئله اتمی و تحریمهای گسترده تر که از پیامدهای آن بود برای مردم ایران بسیار گران تمام شد و وضع معیشتی مردم که بد بود را بسیار بدتر کرد.

آمار بازداشت فعالین و اکتیویستهای سیاسی، اجتماعی سر به کپکشان گذاشت و اعدام فعالین سیاسی یکی پس از دیگری با وقاحتی هر چه بیشتر صورت گرفت؛ میگویم با وقاحت چرا که در دهه ۶۰ این اعدامها پنهانی بود اما اکنون بدون هیچ تلاشی برای پنهان کردن آن این اعدامها صورت میگیرد.

ادامه در صفحه ۵

کیوان سوفاستانی از کشور سوئد اقامت گرفت! یک پیروزی دیگر برای جنبش دفاع از حق پناهندگی



مراجعه کرد و همانجا بازداشت گردید، به او گفته شد روز هفتم ژانویه به ایران دیپورت خواهد شد.

کیوان با دفتر فدراسیون سراسری پناهندگان تماس گرفت و وضعیت اضطراری خود را اطلاع داد، مسئولین فدراسیون و ائتلاف جهانی دفاع از حقوق پناهجویان ایرانی بلافاصله اقدامات اعتراضی فوری برای نجات کیوان از خطر دیپورت را شروع کردند.

روز چهارشنبه پنجم ژانویه به فراخوان دفتر فدراسیون در شهر استکهلم برای اعتراض به حکم اخراج کیوان سوفاستانی تعیین شد، تبلیغات وسیعی برای اطلاع رسانی به افکار عمومی آغاز گردید. روز پنجم ژانویه،

کیوان سوفاستانی وبلاگ نویس، عضو سازمان اکس مسلم، کارگر شرکت آرد جرحه، بدلیل روی برگرداندن از دین اسلام تحت پیگرد دستگاه قضائی و امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفت، امنیت جانی او بطور جدی به خطر افتاد. به همین دلیل در ماه مارس ۲۰۰۸ از کشور سوئد درخواست پناهندگی کرد. اداره مهاجرت سوئد بدون توجه به وضعیت امنیتی و خطراتی که در صورت بازگشت به ایران، وی را تهدید میکند، دلایل پناهندگی کیوان را رد کرد.

کیوان در تاریخ سیزدهم دسامبر سال ۲۰۱۰ در پی نامه پلیس شهر کارلسکرونا واقع در جنوب سوئد، به این اداره

ادامه در صفحه ۷



عبدالله اسدی

افزایش مهاجرت از شمال آفریقا و کنترل شدید در آبهای مدیترانه

پناهندگی به توافق نرسیدند. در حالی که آنها بر سر این نکته که معضل فراریان از لیبی و شمال آفریقا معضل همه کشورهای عضو اتحادیه اروپاست توافق داشتند. ولی در مورد چگونگی اسکان و جابجایی آنها به توافقی دست نیاقتند.

اسپانیا دو کشور اروپایی هستند که پناهجویان از شمال آفریقا قبل از هر کشور دیگری به آن وارد می شوند. زنجیره انقلابات در شمال آفریقا و کشورهای عربی و ایران برای به زیر کشیدن دیکتاتورها و بازپس گرفتن دارائیهها و دسترنج طبقه کارگر و مردم زحمتکش توجه تمام جهان را به خود جلب کرده است.

ولی با این حال این دیکتاتورها به آسانی دل از قدرت نمیکنند و در پی مقاومت ارتجاع داخلی و بازماندگان رژیمهای توتالیتر و دامن زدن به جنگ داخلی، امکان آوارگی گسترده تر و احتمال بروز یک تراژدی انسانی وجود دارد.

هم اکنون کاروانهای زیادی از مردم تونس و لیبی آواره شده و در بدترین شرایط زندگی قرار گرفته اند.

وزیر توسعه و عمران آلمان در ادامه صحبتهای خود گفته است سخن گفتن از موج فراریان از لیبی باید به این نتیجه منجر شود که با مسدود کردن حسابهای وابستگان به رژیم قذافی در خارج مانع از ورود آنها به اروپا شد. درک نیل وزیر توسعه آلمان میگوید تنها در صورت سقوط رژیم قذافی است که مشکلی برای آوارگان لیبیایی باقی نمی ماند.

فروتنکس آژانس حراست مرزی اتحادیه اروپا گفته که ماموریت گشت زنی شماری از کشتیهها و هواپیماها در جزایر قناری و سواحل غربی آفریقا به منظور ممانعت از هجوم پناهجویان آفریقایی به مدت ۹ هفته ادامه خواهد یافت. ولی در همین مورد سخنگوی فروتنکس در ادامه اظهارات خود گفته که هدف از این نظارتها ویژه جلوگیری از مخاطرات سفر پناهجویان به اروپا است.

مرکز حراست مرزی اروپا فروتنکس اعلام کرده که حدود ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار یورو از هزینه این حراست گسترده را قبول کرده است. گفته میشود بخش دیگری از هزینه این پروژه را دولت اسپانیا پرداخت میکند. ایتالیا و

ایتالیا از دیگر کشورهای اتحادیه اروپا تنها بدلیل تقسیم ناعادلانه سهمیه پناهجویان از شمال آفریقا نیست. نگرانی ایتالیا از زاویه بخطر افتادن تداوم سرمایه گذاری خود در لیبی است. رابطه اقتصادی ایتالیا با لیبی در سالهای گذشته بر میزان پذیرش پناهندگان از لیبی بشدت سایه انداخته بود. در حال حاضر بیش از ۸ هزار متقاضی پناهندگی وارد جزیره لامپه

دوسا شده و اکثر آنها مربوط به کشور تونس هستند. آلمان و اتریش از جمله کشورهایی هستند که از پذیرش

بمانند. "دوربرتو مارونی" وزیر کشور ایتالیا به دلیل مخالفت برخی از کشورهای اتحادیه اروپا با تقسیم متقاضیان پناهندگی در کشور خویش انتقاد کرده است. وی با اشاره به احتمال فروپاشی دولت لیبی و اوج گیری بیشتر خشونتها در آن کشور و هجوم هرچه بیشتر آوارگان، هشدار داد که ممکن است کشور ایتالیا تحت فشار قرار گیرد.

قراردادهای بسته شده میان لیبی و ایتالیا قرار بود به مدت ۲۵ سال بخش عمده سوخت صنایع ایتالیا را تامین



آوارگان لیبیایی در حال گرفتن سهمیه نان و شیر



آوارگان لیبیایی در حال گرفتن سهمیه نان و شیر

پناهندگان از شمال آفریقا سر باز زده اند. وزیران کشورهای اتحادیه اروپا در نشست ۲۴ فوریه خود در بروکسل بر سر چگونگی جابجایی متقاضیان

کند و در عوض ایتالیا ۵ میلیارد دلار در لیبی سرمایه گذاری نماید. انقلاب در لیبی تمام این معادلات را به هم ریخت و در واقع انتقاد و اظهار نگرانی

اتحادیه اروپا با ایجاد گشت هوایی و دریایی میخواید مانع فرار آوارگان از شمال آفریقا بسوی کشورهای عضو این اتحادیه شود ایتالیا همین الان به دست و پا افتاده است و میگوید باید آوارگان از آفریقا به طور یکسان در کشورهای عضو تقسیم شوند. آلمان میگوید باید برای ممانعت از هجوم آوارگان به سوی اروپا به کمکهای ساختاری و عمرانی در خود آفریقا دست زد.

منابع خبری میگویند سیل آوارگان از شمال آفریقا به سوی جزیره "لامپه دوسا" در ایتالیا سرازیر شده است و کشورهای اروپایی مدام در حال اتخاذ سیاست و تصمیماتی هستند که به موجب آن بتوانند ورود پناهندگان به اروپا را به حداقل برسانند.

در همین مورد صدای بسیاری از نهادهای کمک رسانی به پناهندگان در آمده و از برخورد و استقبال سرد کشورهای عضو اتحادیه اروپا انتقاد کرده اند. بنا به گزارشات منتشر شده نهادهای کمک رسانی به پناهندگان میگویند پناهجویان تونس و لیبیایی با کمترین امکانات در کمپهای پناهندگی ایتالیا نگاهداری میشوند.

نهادهای کمک رسانی در گزارشات خود می گویند که از این پناهندگان بر مبنای قوانین پناهندگی در اروپا مراقبت و نگهداری نمی شود. کشورهای اروپایی هم از یک سو نگران از دست دادن منافع اقتصادی کلانشان هستند و هم نگران این هستند که در اثر به درازا کشیدن انقلابی که در کشورهای مختلف عربی راه افتاده است موج زیادی از پناهجویان به طرف اروپا به حرکت درآیند و در رسیدگی به امور پناهندگی و تامین زندگی آنها ناتوان

ادامه مصاحبه همبستگی با عبدالله اسدی از صفحه ۱

موقعیت ایرانیان متقاضی پناهندگی است چون پس از انتخابات ۸۸ آمار متقاضیان پناهندگی در ترکیه و کشورهای غربی سیر صعودی پیدا کرد آیا این روند هنوز ادامه دارد؟

عبدالله اسدی: همانطور که در جریان هستی، فعالیت فدراسیون پس از انتخابات خرداد ۸۸ در ایران، پا به دوره جدیدی گذاشت. ولی با وجود باز شدن شرایط جدیدتر و روبرو شدن با موج دیگری از پناهندگی ایرانیان و گسترش دامنه فعالیت فدراسیون در ترکیه و اروپای غربی، هند، پاکستان، کشورهای آسیای جنوب شرقی و حوزه خلیج فارس و علیرغم اینکه فدراسیون از قبل، این دوره را به خوبی تحلیل و پیشبینی کرده بود ولی با این حال مبارزه پناهجویان کمتر شکل مبارزه سازمان یافته و متشکل را به خود گرفت. یک دلیل آن این است که ترکیب متقاضیان این دوره عموماً ترکیبی است که از کمترین سنت و سابقه تشکل و تحزب برخوردار نبوده اند. از این نظر از تجربه تحزب و تشکل پناهندگان سالهای پس از سرکوب انقلاب برخوردار نیستند.

ترکیب پناهجویان ایرانی سالهای پیشین ترکیبی کاملاً متفاوت بود. آن دوره اگرچه در بسیاری از نقاط جهان به نوعی دوره پایان پناهندگی نامیده می شد ولی برای جامعه ایرانی دوره آغاز پناهندگان سیاسی بود. و امروز هم که سرکوب و اختناق در ایران تشدید شده است موجب آغاز دوره جدیدی از پناهندگی ایرانیان گردیده است. با این حال متشکل کردن پناهجویان در چنین وضعیتی کار آسانی نیست.

دلیل دیگرش این بود که فدراسیون هم در موقعیتی نبود که بتواند در تسهیل و تحکیم موقعیت پناهندگان درمقیاس

سراسری تر آنها را حول خواسته ها و مطالبات خود متشکل و سازماندهی کند. ولی فدراسیون در همین یک سال و نیم گذشته از نظر ارائه اطلاعات و مشاوره و رهنمائی و آشنا کردن پناهجویان به حقوق خود به چراغ راهنمای آنها در جامعه جدید تبدیل گردید و در مواردی توانستیم بر سیاست و تصمیمات سختگیرانه دولتها و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در حد انتظار احاطه پیدا کنیم و در روند پناهندگی آنها تاثیر بگذاریم. توانستیم در قبول و پذیرش بیشتر پناهجویان و رسیدگی به امور زندگی آنها موفقیتهایی را بدست بیاوریم.

از این بابت اگر کسی بگوید چرا فدراسیون در بسیج پناهجویان و سازماندهی آنها برای دفاع از حقوق خود موفقیتی نداشته است؛ من می گویم: کم تاثیر بودن و یا عدم موفقیت بیشتر فدراسیون در این زمینه الزاماً به عدم کم کاری این سازمان بر نمی گردد. تا پایان سال ۲۰۰۵ اوضاع پناهندگی بویژه برای ایرانیان به شکل دیگری بود. در آن دوران هیچ کدام از پناهجویانی که به درخواست آنها پاسخ منفی داده می شد در امان نبودند و روزی نبود که ما شاهد بازداشت و دیپورت پناهجویان ایرانی در کشورهای غربی نباشیم. این شرایط در اوایل سال ۲۰۰۶ به درجه زیادی برای پناهندگان ایرانی در اروپا عوض شد و ما تا این لحظه به ندرت شاهد اخراج پناهجویان ایرانی از اروپا بوده ایم. تا آن مقطع هر روز به وسعت بسیاری در کشورهای اروپایی برای ممانعت از دیپورت پناهجویان تظاهراتهای بزرگی هم درمقابل سیاست اخراج دولتهای غربی و هم علیه جمهوری اسلامی بدلیل سرکوب و اختناق سیاسی و فرار مردم از ایران صورت می گرفت و بسیاری از اوقات تظاهرات ایرانیان برای متوقف کردن اجرای اخراج پناهجویان به داخل فرودگاهها هم کشیده می شد. آن دوره تماماً به ضرر جمهوری اسلامی تمام می شد. به همین دلیل جمهوری

اسلامی سیاستی را در پیش گرفت که به موجب آن پناهجویانی که بدون گذرنامه اخراج می شدند از سوی مرزبانان آن کشور پذیرفته نمی شدند. این شرایط باعث شد که اعتراض پناهجویان در خیابانها بشدت فروکش کند و پناهجویان علیرغم اینکه به درخواست پناهندگیشان پاسخ منفی هم داده می شد ولی از این بابت آرامش نسبی پیدا کردند و به نوعی بیخیال شدند.

همبستگی: قضاوت مردم در مورد فعالیتهای فدراسیون را چگونه ارزیابی می کنید و اساساً توقعات مراجعه کنندگان از فدراسیون چیست؟

عبدالله اسدی: قضاوت مردم درمورد فعالیتهای فدراسیون در زمینه دفاع از حقوق پناهندگی بسیار مثبت است. تعداد نامه های پر از تشویق و تشکر و قدردانی در این دوره از فعالیت فدراسیون صحت این موضوع را به خوبی اثبات می کند.

در جواب به سؤال اول شما گفتم که این در دورانی اتفاق می افتد که فدراسیون از نظر سازمانی مستقیماً احاطه زیادی برکل منطقه نداشت. از اینرو گسترش دامنه فعالیت سازمانی فدراسیون در این مقطع یک ضرورت مهم برای ارتقای سطح توقع پناهجویان و سازماندهی مبارزه آنان حول خواسته ها و مطالبات فوری آنها از کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و کشورهای هم مرز با ایران و ادارات امور پناهندگان در اروپای غربی است. فدراسیون پناهندگان ایرانی سازمانی است که پناهجویان را به گروههای سیاسی و غیر سیاسی تقسیم نمی کند. به یک معنی خیلی ساده تر، برای فدراسیون مهم نیست پناهجویانی که از حقوقشان دفاع می کند به کدام گروه و جریان سیاسی تعلق دارند؛ پناهجو هم، مستقل از مذهبش، ملیتش، باور سیاسی اش، و جنسیت و گرایش جنسی اش انسان است و به همین اعتبار باید از حقوق انسانی اش دفاع کرد.

همبستگی: اگر کسی از شما بپرسد دوره پناهندگی به سر آمده است و شما در پایان دو دهه از گذشت جنگ سرد و دنیای دو قطبی هنوز دارید از سازماندهی تشکل و گسترش حوزه سازمان پناهندگی حرف می زنید چه پاسخی برای آن دارید؟

عبدالله اسدی: فدراسیون هیچ وقت این نظر را که گویا با اعلام پایان جنگ سرد، دوره پناهندگی هم به پایان میرسد را نداشته است و الان هم اینطور فکر نمی کند. این را دولتهای غربی گفته اند، ولی آنها هم صراحتاً این ادعا را نداشته و نگفته اند پرونده پناهندگی بسته شده است و قانوناً هم این کار را نکرده اند. ولی در عمل با هزار و یک روش آن را بشدت محدود نموده اند. اتفاقاً همانطور که گفتم با پایان جنگ سرد تازه موج متقاضیان پناهندگی از ایران آغاز شد.

در همین دوره پسا جنگ سرد، آمار گسترش متقاضیان پناهندگی از همین اروپای شرقی به غرب بیشتر شد. همین اکنون آمار متقاضیان پناهندگی از صربستان از بسیاری از دیگر کشورهای جهان بیشتر است.

همین دو ماه پیش بود که سازمان ملل متحد در مورد افزایش پناهندگان بدلیل جنگ و ناامنی در بسیاری از نقاط مختلف دنیا هشدار داد. درست است که کشورهای غربی دارند تمام توان خود را برای کاهش ورود پناهندگان به غرب بکار می گیرند ولی با این حال بدلیل تجدید اختناق و سرکوب سیاسی آمار متقاضیان پناهندگی از ایران افزایش چشمگیری داشته است. درست است که عصر پایان رژیمهای توتالیتر بسر آمده است ولی هنوز از جنگ و ناامنی درخاورمیانه و شمال آفریقا کاسته نشده است و خطر قحطی و گرسنگی، میلیونها نفر از مردم مناطق فوق را تهدید می کند. گفتم تا آنجایی که به ایران برمیگردد تا زمانی که جمهوری اسلامی سرکار باشد روشن است که متقاضیان پناهندگی از

آن کشور همچنان ادامه خواهد یافت. به همین دلیل پناهجویان در همه جای جهان باید برای دفاع از حقوق پناهندگیشان دارای سازمان و تشکلی مثل فدراسیون باشند تا از آن به عنوان ظرف مبارزه خود استفاده کنند. بنابراین هنوز تشکل برای پناهجویان مثل نان شب ضروری است؛ ضروری است برای اینکه در بسیاری از نقاط مختلف دنیا پناهجو وجود دارد و تلاش هر روزه آنها برای حق ماندن و زندگی کردن و امنیت و آسایش بردوام ادامه دارد.

مبارزه پناهجویان در بسیاری از نقاط جهان جریان دارد همانطور که در سوئد وجود دارد، همانطور که در ترکیه و آلمان و نروژ و یونان و استرالیا پناهجویان ایرانی از سر تنهایی و استیصال دست به اعتصاب غذا و لبودزی می زنند. در واقع خود پناهجویان دارند فریاد تشکل و مبارزه سازمان یافته می زنند به همین اعتبار باید کسی باشد دست آنها را در دست هم بگذارد و راه رسیدن به اهدافشان را نشان دهد. در یک کلام مبارزه متشکل و سازمان یافته برای پناهجویان معنی زندگی دارد پناهجو هم مثل هر شهروند دیگر در جهان باید از رفاه و امنیت و آسایش برخوردار باشد و در هرکجای جهان که اعلام پناهندگی می کند از حق زندگی شهروندی و برابر برخوردار باشد. دفاع فدراسیون نیز از تشکل و سازمان یافتگی مبارزه پناهجویان دقیقاً از این زاویه است.

همبستگی: فدراسیون در حال حاضر به چه جنبه هایی از امور مربوط به پناهجویان می پردازد؟ میخوامم اگر ممکن است خیلی مختصر به چند نمونه از آنها اشاره کنید.

عبدالله اسدی: انتشار نشریه همبستگی بطور روتین، پاسخ به نامه ها و تقاضاهای کمک از جانب پناهجویان و متقاضیان کمک از ایران، بالا بردن

جامعه یا کشور جدید چه می خواهند؟ مسئله ای که بسیار مهم هست و من شخصا در دوران پناهجویی ام انجام دادم رابطه داشتن با فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانیان که در هر شهری یا کشوری فعال هستند و دفتر دارند. چون از طریق فعالان پناهجویی يك پناهجو با قوانین و حقوق پناهندگی و در واقع از حقوق خودش آگاه میشود و میدانند که چطور از طریق این قوانین از حق خودش دفاع کند و خودش را تنها احساس نکند، احساس امنیت می کند چون فدراسیون پناهندگی پشتیبانش هست. در دورانی که مثلا منفی می گیری، پرونده اش بسته میشود یا زمانی که از طرف اداره مهاجرت می خواهند به ایران اخراجش کنند.

در همه مواقع فدراسیون با پناهجو هست، هدفش فقط کمک به پناهجو هست چون افرادی که فعال در فدراسیون پناهندگی هستند معمولا خودشان پناهندگی یا اقامت آن کشور را دارند یعنی می توانند به زندگی عادی که اکثر مردم دارند ادامه دهند بنا براین هیچ چیزی جز آن دید انسانی و انساندوستانه نیست که آنها را وا می دارد تا خود را با مشکلات و مسائل پناهجویان سهیم کنند و در این مبارزه همراه و همگام با پناهجویان باشند.

مسئله دیگر اینکه پناهجو باید با مردم ایرانی، سوئدی و غیره در رابطه باشد چون که مجبور می شود تا زبان سوئدی و یا زبان هر کشوری که در آن زندگی می کند را یاد بگیرد همزمان با فرهنگ و آداب و رسومشان هم آشنا میشود. بعد می تواند کار پیدا کند، مشکل مادی اش را حل کند تا احتیاج نداشته باشد از اداره مهاجرت کمک مالی بگیرد، می تواند مثل بقیه افراد آن جامعه به آن کشور مالیات بپردازد و فردی مثر شمر برای آن جامعه باشد. در یادگیری زبان حوصله بخرج دهد از رادیو و تلویزیون آن کشور استفاده کند نه اینکه از ماهواره فیلمهای ایرانی و یا کانالهای ایرانی را دنبال کند و همزمان باید با حوصله پرتلاش و فعال در رابطه با دلایل پناهندگیش باشد. در اعتراضات

حرفهای دل یک پناهنده . . .

پناهندگی چه میگویند یا چه میخواهند؟ در ضمن مدارکتان را برطبق قوانین پناهندگی آن کشور تهیه کنید و یا مدارکی که از ایران با خود آوردید یا اگر لازم باشد خانواده تان میتوانند برایتان بفرستند.

۴. مسائلی که از زمان پناهجویی تا گرفتن اقامت بسیار مهم میباشند عبارتند از: صبور، با هدف، محکم، پرتلاش و فعال باشید در رابطه با کیس و موقعیت تان. منظورم این است که این دوران را سعی کنید با صبر و بردباری به پیش ببرید. بقول معروف.. قمار صبر، تنها يك سر دارد و آن هم پیروزیست ..

بنظر من پناهندگی یا گرفتن اقامت از يك کشوری فقط يك حق هست نه يك امتیاز یا مثلا يك نوع قبولی چون هر شخصی به هر دلیلی از ایران که کشوری نا امن است با وجود حکومتی جنایتکار و قوانین ضد انسانی فرار کند به کشوری دیگر حتما که حق پناهندگی را دارد. هیچ دولت یا قانونی نمی تواند این حق را از شخص پناهجو سلب کند. من خودم هم پناهجو بودم، این دوران را گذراندم و از حق انسانی خودم دفاع کردم و به حق رسیدم. البته می دانم که دوران پناهجویی شاید

دوران بسیار آسانی نباشد ولی این خود ما هستیم که می توانیم این دوران را برای خود آسانتر کنیم با توجه به همان ۴ موردی که در بالا ذکر کردم.

خیلی از دوستان پناهجو وضعیتشان در همان اولین روزهای پناهجویی کاملا مشخص هست یعنی می دانند که چرا از ایران آمدند؟ دنبال کدام حق هستند که باید حتما بگیرند؟ و در ضمن از این

زندگی می کنیم یکی از کشورهای شمال اروپا (اسکاندیناوی) من از این سرزمین می گویم، گفته هائی که شاید خیلی با آنها غریبه نباشید یا حد اقل طعم گفته هایم را چشیده باشید.

در این سرزمین شاید من چیز زیادی نداشته باشم، در واقع دستها یم خالی هستند اما زبانم حرفهائی دارد برای گفتن ... حرفهائی از عمق وجود م ... حرفهائی به گوشه های شنا ... از دوران پناهجویی تا دوران پناهندگی .

در اینجا بیشتر حرفها یم روی دوستان پناهجویی هست که منتظر گرفتن اقامت در این کشور و یا کشور دیگری هستند. با توجه به تجربه های شخصی ام می توانم بگویم که ..

۱. هدف تان باید کاملا مشخص باشد منظرم دلایل پناهندگی تان است که چرا به سوئد یا خارج از ایران آمدید و درخواست پناهندگی دادید؟

۲. هر کشوری قوانین پناهنده پذیری خود ش را دارد البته در بعضی از کشورها این قوانین شبیه هستند مثل کشورهای اسکاندیناوی که دوستان پناهجو باید این قوانین را مطالعه کنند تا بتوانند از کیسشان دفاع کنند. که دوستان پناهجو این قوانین را می توانند از طریق فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در استکهلم و شهرهای مختلف سوئد و یا کشورهای محل زند گیشان تهیه کنند.

۳. دلایل پناهندگی تان را مطابق با قوانین پناهندگی آن کشور و یا مثلا سوئد در نظر بگیرید که قوانین

دانشگاه برآیند در نهایت مجبور به ازدواج میشوند. یا در بعضی از خانواده ها بخاطر فقر مادی، سختگیریهای پدر، برادر یا شوهر دست به خود کشی می زنند یا مجبور به فرار از محیط خانواده به شهرهای بزرگتر می شوند و به تن فروشی روی می آورند که حقشان نیست.

زن تن فروش بخاطر هزینه تحصیل فرزندش، اجاره خانه و ... مجبور به تن فروشی می شود، او بدنش احساسش و جوانیش را به فروش میگذارد تا بتواند از پس زندگی روزمره خودش و فرزندش بر آید. عامل این همه تن فروشیها نیز خود جمهوری اسلامی است.

سران جمهوری اسلامی هستند که آگاهانه تن به حکومتی دادند که جنایتکار و ضد انسان است. حکومتی قرون وسطائی که تشکیل شده از خشونت، ظلم و ستم، زندان، شکنجه، اعدام و سنگسار به توسط قوانین شریعه. اینها حرفهای دلم هستند که مرا وا داشتند تا از ایران بنویسم.

بر اساس این دلایل خیلی از جوانان، زنان و خانواده ها مجبور به فرار از ایران می شوند در واقع بخاطر داشتن دیدگاه سیاسی و یا مخالف بودن با جمهوری اسلامی و قوانینش یا صرفا بخاطر رسیدن به يك زندگی آرام، دور از خطر و امن. این عزیزان باید در این عرصه از زندگی، پول هنگفتی را هزینه کنند و هر خطری را به جان بخرند تا از طریق قاچاق از مرزهای کشورهای مختلف به کشور مورد نظرشان مثل سوئد، و یا کشورهای دیگر برسند. دوستان اینجا سوئد است که ما در آن



فرشته ایلکا

من يك زنم، از ایران آمده ام؛ از راهی بسیار دور، با دنیائی از احساس و صداقت. می خواهم از احساساتم برایتان بگویم با قلمی ساده و روان، از زندگی زنان، جوانان و نقض حقوقشان در ایران بگویم.

وقتی به این موضوعات می اندیشم حس دردناکی سراسر وجودم را فرا می گیرد و مرابه اشتیاق و امید دارد تا هرچه بیشتر از زندگی جوانان، احساسات و آرزوهایشان بگویم از اینکه چطور در زیر فشار تبعیض جنایتکاران جمهوری اسلامی با قوانین ضد انسانی شان خرد می شوند.

از زنانی که با احساسات زنانه شان و قلبی مملو از امید و رهائی از ستم حاکم در جامعه ایران ایستادگی می کنند بگویم. از جوانانی که نمی توانند شغل مناسبی بدست آورند یا نمی توانند ادامه تحصیل بدهند بخاطر فقر مادی بنابراین به هر دری می زنند تا شاید به نتیجه ای برسند ولی هر روز بیشتر از روز دیگر زیر ظلم و ستم حاکمان ایران می روند، بسیاری از آنان دچار افسوس اعتیاد میشوند و معتاد در گوشه و کنار شهرهایمان دیده می شوند.

آتهائی که در مدارس و دانشگاه ها به تحصیل مشغولند یا آتهائی که در محل کارشان وقتی از بی عدالتی و نقض حقوقشان اعتراض می کنند رژیم با خشونت با آنها برخورد میکند مثل اخراج از کار، تحصیل یا دستگیری، شکنجه و در نهایت اعدام. زنان و دخترانی که نمی توانند شغل مناسبی پیدا کنند و از پس هزینه های سنگین

ادامه یادداشت سردبیر

بقول پدر بزرگم: "مورچه هنگامی که به مرگ نزدیک می‌گردد بال در می‌آورد" و این ضرب المثل، زبان حال رژیم اسلامی است از نظر من. رژیم مانند مار زخمی خود را به در و دیوار میکوبد و برای نجات خود به هر بند نازک و پوسیده ای نیز آویزان می‌گردد.

با آغاز سال ۲۰۱۱ موج سرکوبها و دستگیری ها و موج اعدامها در جمهوری اسلامی شدت گرفت. از اول ژانویه تا به امروز به تأخیمین سازمان عفو بین الملل هر هشت ساعت یکبار، جمهوری جنایت و سرکوب اسلامی يك نفر را اعدام کرده است. آمار دستگیری و بازداشتها بسیار بالا رفت و گرانی و تورم در جامعه سرسام آور شد. باری همه چیز دست به دست هم داده تا این جانور وحشی هر چه زودتر از بین رفته و سرنگون شود.

چند ماه گذشته برای جمهوری اسلامی ایام بسیار سختی بود. مسئله سنگسار سکینه محمدی آشتیانی و درخواست کمک سجاد قادرزاده از مردم جهان و کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار دیگر هیچ چیز برای حکومت باقی نگذاشت. تمام جوارح و اعضای زخمی رژیم به لرزه درآمدند. مسئله حذف یارانه ها در ایران نیز تبری بود که رژیم با دست خود به ساق پایش زد. حذف یارانه ها وضعیت ضعیف معیشتی مردم را بسیار متزلزل تر کرد و ناراضیاتی مردم روز به روز در حال فزونی است. انگار از زمین و آسمان بر سر مردم ایران میبارد. مردم نه از نظر جانی امنیت دارند و نه از نظر مالی.

چندی پیش با شخصی از ایران گفتگو میکردم؛ این شخص همواره ملاحظه داشت که تلفنی اظهار نظر سیاسی بکند اما اینبار بدون اینکه سؤالی بکنم به من گفت: "میدانی چیست؟ وقتی آدم در کوچه و خیابان راه می‌رود فقط این حس به او دست میدهد که جامعه مانند بمب ساعتی شده که زمان

انفجارش معلوم نیست." این جمله برای من بسیار جالب و قابل تأمل بود. يك تحليل سياسي از وضعیت مردم از دید شخصی که از دل همان جامعه است.



کمیته تحریم شورای امنیت سازمان ملل در مورد تشدید تحریمها در ایران رای گیری میکند



فقر در ایران

سال ۲۰۱۱ شاهد انقلابات و تحولات ناگهانی و سونامی وار در خاورمیانه و شمال آفریقا بودیم. انقلاب در تونس که پس از خودسوزی يك جوان ۲۷ ساله که با پلیس درگیر شده بود رخ داد مانند يك اپیدمی خوشخیم و امیدبخش به مصر و پس از آن به یمن و لیبی سرایت کرد. مردم در این کشورها برخاستند و خواستار سرنگونی دیکتاتوران حاکم بر جان و مالشان شدند. انقلابات صورت گرفته در خاورمیانه و شمال آفریقا تلنگر دوباره ای به روحیه مبارزاتی مردم ایران بود. تجمعات و اعتراضات گسترده ای در تهران و سایر شهرهای ایران برگزار شد. این اعتراضات در ۲۵ بهمن صورت گرفت و بار دیگر نشان داد که خیزش انقلابی مردم ایران در تابستان ۸۸ نه تنها خاموش نشده که مانند آتش زیر خاکستری است که با کوچکترین نسیمی از نو گر گرفته و شعله ور میشود. رژیم خون و نکبت اسلامی از

هر زمان ضعیفتر و شکننده تر شده است اما همین مسئله ددمنشی و وحشیگری آن را صد چندان میکند و به نظر من این میتواند دلیلی باشد برای

بر همه روشن است که از بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی دیوار برلین دول غربی ماسک انساندوستانه پنهانده پذیری را از چهره برداشته و چون دیگر بلوک به اصطلاح کمونیستی را در مقابل خود ندارند اصراری هم بر پنهانده دوست نشان دادن خود نمی‌بینند. کلا سیاست پنهانده پذیری در قبال موج پنهانده ستواری از دست حکومتها دیکتاتوری، سیاستی بی حد غیر منصفانه و انعطاف ناپذیر میباشد؛ اما اضمحلال حکومت اسلامی از بعد از تابستان ۸۸ باعث شد که دول غربی تا حدودی دست از سیاست مماشات با رژیم اسلامی بردارند و کمی قرعه به نفع پنهانده ایرانی بیفتد. البته این به معنای رفع مشکل پنهانده‌گی برای پناهجویان نیست و هنوز هزاران هزار پناهجوی ایرانی در اقصی نقاط دنیا در سختی و مشقت برای یافتن محلی امن برای زندگی بسر می‌برند. هنوز پناهجویان ایرانی مدتهای طولانی پشت درب ادارات مهاجرت و امور پنهانده‌گی کشورهای مختلف غربی بلا تکلیف میمانند و یا با جوابهای منفی روبرو میشوند و هنوز پناهجوی ایرانی میبایست روزها و هفته ها دست به اعتصاب غذا زده و لبهای خود را بدوزد تا بتواند از حق زندگی در کشوری مانند یونان برخوردار شود. که البته توضیحات بیشتر در این مورد را میتوانید در مصاحبه ای که نشریه با عبدالله اسدی داشته است بخوانید. تا جمهوری اسلامی بر سر قدرت است مسئله پنهانده‌گی برای ایرانیان اکتوتل و زنده میباشد و این بدین معناست که ایرانیان در هر کجای دنیا که باشند باید با همبستگی و اتحاد این مشکل را

برای خود و دیگر فراریان از ایران اسلامزده هموار و حل نمایند و چه ظرفی بهتر از فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی برای اتحاد و همبستگی و مبارزه برای بدست آوردن حق پنهانده‌گی. فراموش نکنیم که حق گرفتنی است.

سرنگون باد حکومت جنایت اسلامی

از سایت فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی دیدن کنید. در این سایت در مورد قوانین مهاجرتی کشورهای اروپایی اطلاعات بسیاری موجود است. شما پاسخ بسیاری از سؤالات پنهانده‌گی خود را در این سایت خواهید یافت

از این سایتها دیدن کنید

www.hambastegi.org
www.rowzane.com
www.cyoiran.com
www.iransolidarity.org.uk
www.wpiran.org

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن



لیلا طاقت فرسا فرد
leila_fard2007@yahoo.com

۸ مارس روز ارج نهادن به مقام زن در سال ۱۹۷۵ توسط سازمان ملل به تصویب رسید و در بسیاری از کشورها روزی ملی است که به گرامیداشت مقام زن اختصاص داده شده است.

در این روز زنان سراسر جهان گرد هم می آیند تا دستاوردهای زنان را گرامی بدارند و تجدید پیمان کنند؛ زنان ایران یک قرن است که برای

دستیابی به برابری و آزادی تلاش میکنند و ضرب و شتم، دستگیری، زندان، شکنجه و تجاوز رژیم سرکوبگر قرون وسطایی نتوانسته خللی به مبارزات آنان وارد نماید، لذا به چکیده ای از خواسته های زنان می پردازیم؛ زنان آزادیخواه ایرانی خواهان لغو همه قوانین ضد زن اسلامی و کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل دین از دولت، آموزش و پرورش و کلیه زن ستیز، لغو جداسازی جنسی، آپارتاید جنسی، ممنوعیت صیغه و تعدد زوجات، حق بیقید و شرط طلاق، برابری زن و

مرد، لغو کلیه قوانینی که حقوق مدنی زنان را نظیر حق مسافرت، معاشرت، شرکت در فعالیتهای اجتماعی و غیره را به کسب اجازه شوهر، پدر یا سایر مردان خانواده مشروط میکند، برابری کامل حقوق و وظایف زن و مرد را در امر سرپرستی فرزندان پس از جدایی، لغو حجاب اجباری زنان و ممنوعیت حجاب کودکان و به رسمیت شناسی کامل آزادی پوشش، لغو کلیه احکام و قوانین وحشیانه و ضد انسانی سنگسار و اعدام و قصاص و سایر مجازاتهای اسلامی، آزادی بیقید و شرط بیان و اعتراض و آزادی تشکیل

و اعتصاب و تحزب و اجتماعات، آزادی فوری و بیقید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی، آزادی مذهب و بی مذهبی و آزادی نقد مذهب مطالبه میکنند. هدف رژیم از این اقدامات ارتجاعی و مرد سالارانه و زن ستیز کاملاً روشن است. رژیم جمهوری اسلامی از بدو شکل گیری تاکنون یکی از خصیصه ها و یکی از ارکان حاکمیتش ضدیت با زن بوده، یک رژیم زن ستیز، ضد خوشی، ضد شادی و ضد برابری، ضد رفاه و سعادت یک رژیم استشمارگر و یک رژیم سرکوبگر.

از نقطه نظر این جانیان اسلامی، زن بودن مترادف با نیمی از انسان بودن، مترادف با ضعیف بودن و زیون بودن هست ولی علیرغم این سیستم ارتجاعی خودشان نتوانستند زن و مرد و در جامعه به زانو در بیاورند و

مبارزه زنان یکی از گسترده ترین، نهادینه ترین بر علیه جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی هست.

از نقطه نظر ما آزادیخواهان، برابری طلبان، مبارزه برای آزادی زن و برابری زن و مرد در جامعه مبارزه برای آزادی بی قید و شرط که یک رکن اساسی مبارزه علیه رژیم حاکم برای آزادی و رهایی زن در جامعه در عین حال وصل شده به برکنند حجاب از سر جامعه، اقدامی که زنان با بد حجابی و بی حجابی در طی سه دهه بر علیه جمهوری اسلامی انجام داده اند؛ زنان اعتراض ها را رهبری خواهند کرد، امروز و فردا، حرف را باور کنید این زنان خواهند بود که دموکراسی را به ایران خواهند آورد. به امید آتروز

کارنامه سیاه حکومت ایران از صفحه ۱

به چشم می خورد. کارنامه ای که حکومت ایران در زمینه حقوق بشر از خود جای گذاشته کارنامه ای سیاه و رد شده ای است که مسئولانش باید پاسخگوی این نوع اعمال و رفتار با مردمانش باشد و در مدت یکسال و نیم گذشته وضعیت بدون شک رو به وخامت رفته است و حکومت جمهوری اسلامی برای نگاه داشتن خود در رأس کار دست به اقدامات وحشیانه ای زده که از سوی هیچ کس حتی برای یک لحظه قابل قبول نیست. حکومت در این مدت روزی نبوده که به هر دلیلی با نقض کردن حقوق مردمانش در صدر اخبار

رسانه های دنیا نباشد. مطالبات مردم آنقدر زیاد و انباشته شده هست که حکومت نمی داند پاسخ کدامین سوال را بدهد و سر پوش گذاشتن بر این

خواهد داشت که برگشت ناپذیر است و این گره کوری است که نظام خود در وضعیت کشور بوجود آورده است. دروغ گفتن و تهمت زدن در جامعه



Photo: Ali Agharabie

FARS NEWS AGENCY

مطالبات هزینه سنگینی را برای رژیم نهادینه شده و فاتحه عدل و عدالت

کرده اند. نداشتن استقلال قاضیان و نبود سیستم مناسب برای قانونگذاری و اینکه هر کس برای خودش تصمیم می گیرد و هر نهادی برای خودش یک ساز می زند و یکی تأیید و دیگری تکذیب می کند، همه نشاندهنده این است که حکومت خود نمی داند بدنبال چه چیزی هست و در بلا تکلیفی به سر می برد. ضعف مدیریت و رهبری و به بن بست رسیدن چندین سال است مشهود

**به فدراسیون
سراسری پناهندگان
ایرانی کمک مالی
کنید
Plusgiro**



**تماس با فدراسیون
سراسری پناهندگان
ایرانی**

دبیر فدراسیون: عبدالله اسدی

تلفن: ۰۰۴۶ ۷۳۷۱۷۸۸۱۹

asadiabe@yahoo.se

پیروز باد انقلاب مردم ایران، برقرار باد حکومت انسانی، نابود باد حکومت اسلامی

ادامه حرفهای دل یک پناهنده از صفحه ۴

و آکسیونهای پناهندگی شرکت کنند . يك پناهجو اگر برعکس آن ۴ نکته ای که در بالا آمده فقط بخواهد به گفت و شنودهایی بین او و مصاحبه کننده در روز مصاحبه بسنند کند یاد نبال مدارکش بر طبق قوانین پناهندگی نرود ، رابطه با فدراسیون پناهندگی و مردم یا جامعه نداشته باشد مطمئنا با جواب منفی روبرو خواهد شد در این زمان است که احساس تنهایی ، دلسردی و شکست می کند و اگر منفی بعدی هم بیاید بعد از مدت زمانی با مشکلاتی جدی تر از جمله ناراحتیهای روحی و روانی ، جسمی و یا اجتماعی روبرو خواهد شد و فکر میکند که اگر اداره مهاجرت باز هم جواب منفی به او داده یعنی به اصطلاح به ته خط رسیده و هیچ راهی دیگر برای رسیدن به پیروزی وجود ندارد. در صورتیکه اینطور نیست این ما هستیم که از کشوری مثل ایران آمده ایم تا حقمان را بگیریم و باید برای دولت مردان این کشور ثابت کنیم که ایران کشوری نا امن می باشد و ما حق پناهندگی را خواهیم داشت. این ما هستیم که تصمیم گرفتیم به این کشور بیایم و در خواست پناهندگی بدهیم پس باید بعد

از هر جواب منفی قاطع تر و فعالتر از قبل باشیم و از کمکهای فدراسیون پناهندگی دریغ نکنیم . اداره مهاجرت به هر شکلی سعی می کند که کوچکترین ایراد هم شده از پرونده پناهجویان بگیرد تا جواب رد به آنها بدهد که پناهنده زیادی در کشورش نپذیرد. پس این ما هستیم که باید بدانیم به این کشور آمده ایم تا حقمان را بگیریم چون حق گرفتنی هست نه هیچ چیز دیگری.

من از تجربه شخصی ام از دوران پناهجویی میگویم که آن دوران یکی از بهترین دوران زندگیم بود چون توانستم در آن دوران چیزهای خیلی خوب زیادی را یاد بگیرم و تجربه کنم که شاید هیچ جور دیگری و یا در هیچ دورانی از زندگیم نمی توانستم آنها را بدست بیاورم یا تجربه شان کنم. دوران پناهجویی دوران بسیار حساسی هست که هر شخصی باید از خودش مایع بگذارد و سختیها را تحمل کند تا پیروزی را بدست آورد بنابراین هیچ پیروزی بدون تلاش و مبارزه بدست نمی آید. احساس غرور و سربلندی می کنم که احساسات و حرفهای دلم را با قلمم برایتان می نویسم و به دوستان پناهجوییم توصیه می کنم که اگر بخاطر رسالت انسانی و مشکلاتی مجبور به ترک ایران شدید پس صبور و

بردار باشید که پیروزی حقتان است. من با مطالعه در مورد مسئله پناهندگی بین کشورهای اسکاندیناوی مثل سوئد یا کشورهای دیگر به این نتیجه رسیدم که سوئد یکی از کشورهایی است که در مورد پناهندگی نسبتا بهتر از کشورهای دیگر است پناهجویان و پناهندگان برخورد می کند ولی از دید من پناهنده شدن در يك کشور دیگر هیچوقت قابل قبول نیست ، این مسئله باید سیاستمداران در حال حاضر را به فکر راه حل درستی برای مسئله پناهندگی بیندازد چرا که ما انسانها این حق را داریم که نسبت به معیارهای خود در هر محلی که مناسب می دانیم برای ادامه زندگیمان انتخاب کنیم و یا بهتر بگویم که باید مرز بین کشورها برداشته شود تا انسانها آزادانه در هر جایی از دنیا که دوست دارند به زندگی انسانیشان ادامه بدهند .

در همین رابطه متأسفانه بعضی از پناهجویان در مسیر کشورشان تا کشورهای مقصد درآبهای دریاها غرق می شوند یا در زندانهای کشورهای چون یونان ، ترکیه و غیره بسر میبرند و منتظر سرنوشتشان هستند . این عمل غیر انسانی می باشد که شخصی را که دنبال محلی امن برای زندگی می گردد در راه جان می دهد یا آتھائی را که

زندانی میکنند هیچ قانونی حامی و پشتیبان آنها نمی باشد. بنابراین جایز نیست که با فرد پناهجو هم علاوه بر برخوردهای نا مساعد و غلط او را از کشوری که برای محل زندگیش انتخاب کرده بیرون کنند در ضمن باید در نظر داشت که آن پناهجو برای بهتر زیستن و یا بخاطر مشکل جانی اش مجبور شده که از کشورش بگریزد به يك کشور امن. در نتیجه این عمل غیر انسانی می باشد که اجازه بهتر زیستن و یا در امنیت زیستن شخصی یا پناهجویی را از او گرفت.

از دید من آن شخص یا پناهجو را باید تشویق کرد و به او امکانات داد چرا که در غیر اینصورت شاهد مشکلاتی چون روحی ، روانی یا اجتماعی در آنان می شویم مثل پناهجویان در یونان که با اعتصاب غذا مریض شدن و دوختن لپهایشان با کمک فدراسیون پناهندگی توانستند حق انسانی خودشان را از دولت یونان بگیرند. و یا موارد زیادی که بعد از جوابهای منفی دست به خودکشی زدند. در ضمن صبر و بردباری ، فعالیت و مبارزه دوستان پناهجو را در این عرصه حساس و بزرگ زندگیشان تحسین می کنم . واقعا آرزو میکنم که با تلاش ما و مدافعون حقوق انسانی مرز بین کشورها برداشته شود که هیچ انسانی برای بدست آوردن زندگی همراه

با آرامش و یا داشتن عقیده ای آزاد مجبور به ترك کشورش و یا جابجائی به کشوری دیگر نباشد. همچنین از فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئد ، اروپا یا بهتر بگویم در دنیا که مسئولش آقای عبدالله اسدی می باشد در شهر گوتنبرگ سوئد و نیز همکاران عزیزشان خانم سارا نخعی ، آقای رحیم یزدانپرست از مسئولان فدراسیون پناهندگی در شهر استکهلم پایتخت سوئد و دیگر مسئولان این فدراسیون و مدافعین پناهندگی سپاس و قدردانی میکنم که این عزیزان با تمام وجودشان در برابر دولتهای اروپائی و قوانین ضد انسانی و سخت پناهنده پذیریشان مبارزه می کنند و در تمام مراحل از دوران پناهندگی با پناهجویان هستند ، در ناراحتیها و خوشیها با آنها هستند و خود را موظف در رابطه با سرنوشت این عزیزان می دانند .

امیدوارم که با اتحاد هر چه بیشتر ملت ایران و دولتهای دیگر بتوانیم مرز بین کشورها را از بین ببریم و زندگی آزاد و برابری را برای انسانها بسازیم. و با اتحاد هر چه بیشتر برای سرنگونی جمهوری اسلامی.

فرشته ایلکا استکهلم

عامل تعیین کننده در تحقق این پیروزی ، اتحاد و یکپارچگی مدافعین حقوق پناهندگی بود که از سوئد تا آمریکا به همدیگر دست همکاری دادند و این موفقیت را ممکن کردند.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

۲۳ فوریه ۲۰۱۱

از چهارچوب حقوق فردی کیوان فراتر می رود. فدراسیون سراسر پناهندگان ایرانی ، این پیروزی را به کیوان ، و به همه عزیزانی که به پشتیبانی از این حق پایهای به میدان آمدند ، به فعالین خود و به همه همکاران ائتلاف جهانی دفاع از حقوق پناهجویان ایرانی صمیمانه تبریک می گوید.

ما اطمینان داریم که با اتکا به همبستگی و همسرنوشتی خود پناهجویان و مردم انسان دوست و بسیاری از نهادها و سازمانهای مدافع حقوق پناهجویان بتوانیم به موفقیتهای به مراتب بزرگتری دست پیدا کنیم. يك

مدارک فوق نشان می داد که در صورت اخراج کیوان به ایران از سوی دستگاه قضائی جمهوری اسلامی با خطر جدی مواجه خواهد شد.

اداره مهاجرت دقایقی بعد طی ابلاغیه کتبی به کیوان اعلام کرد که اخراج وی متوقف می شود و پرونده وی مجدداً باز و مورد بررسی قرار خواهد گرفت. پس از گذشت بیش از یکماه اداره مهاجرت سوئد ، اقامت دائم کیوان سوئد را پذیرفت!

این موفقیتی برای کیوان است ، اما دامنه تاثیرات این موفقیت

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و کریم شامحمدی از طرف سازمان اکس مسلم با مقامات اداره مهاجرت در مورد حکم اخراج کیوان گفتگو کردند و با اعتراض به بی توجهی این اداره به مفاد غیر قابل انکار در پرونده کیوان ، مراتب نگرانی خود را از تصمیم اداره مهاجرت اعلام کردند و تاکید نمودند که به هر ترتیب مانع اجرای این حکم خواهند شد ، خطر جدی است و اداره مهاجرت بی مبالائی میکند.

هیات مذاکره کننده اسناد و مدارک قابل توجه در مورد پرونده کیوان را مجدداً تسلیم اداره مهاجرت کرد.

کیوان سوئد اقامت گرفت از صفحه ۱

همانطور که انتظار میرفت ، شماری از مردم انسان دوست ، علیرغم بارش برف و سرمای بسیار شدید ، مقابل اداره مهاجرت در استکهلم با برافراشتن پلاکاردها و بنرهای خود دست به اعتراض زدند و خواهان توقف حکم دیپورت کیوان گردیدند.

همزمان با شروع تجمع ، اندیشه علیشاهی به نمایندگی از جانب

قدرت و پیروزی ما در گرو اتحاد ماست

ادامه مصاحبه همبستگی با عبدالله اسدی از صفحه ۳

پناهندگان یکی از کارهای پرزحمت و یکنواخت فدراسیون است. یک مشکل اصلی فدراسیون که هیچ وقت پاسخ نگرفته، مشکل مالی است.

تصور کنید که سازمانی با این وسعت و با داشتن این همه مراجعه در سراسر دنیا با موقعیت و بنیه مالی ضعیف و نابرابر چگونه میتواند در دنیای پناهندگی امروز تحرك ایجاد کند و راندمان فعالیت خود را بالا ببرد؟ از این بابت لازم است پناهندگی و بستگان آنها در حد امکان به فدراسیون کمک مالی کنند تا خللی در تحرك و راندمان کار این سازمان ایجاد نشود.

همبستگی: آیا فدراسیون برای این همه عرصه کاری نیروی کافی دارد؟ برای نمونه شما به نامه ها و تاییدیه های زیادی اشاره کردید این عرصه را چگونه تامین می کنید؟

عبدالله اسدی: یکی از عرصه های فعالیت فدراسیون ترجمه نامه ها و اطلاعیه ها از فارسی به انگلیسی و زبانهای محلی است. چون ترجمه يك عرصه مهم از فعالیتهای فدراسیون را تشکیل میدهد. برای آنهايي که نامه تاییدیه میخواهند، برای آنهايي که در بازداشتگاههای مختلف دولتها در انتظار اخراج بسر میبرند و در دفاع از مبارزه جمعی پناهندگیان شبیه به آنچه که در یونان اتفاق افتاد، فدراسیون باید بتواند مرتب نامه و بیانیه و غیره صادر کند تا در پیشبرد کمیتهای خود به نتایج عملی و موفق برسد.

پیشبرد این عرصه از فعالیت بیشتر روی دوش دستداران فدراسیون می چرخد امیدوارم با توجه به اهمیت و ضرورت این جنبه از کار، کسان دیگری هم در گوشه و کنار دنیا تماس بگیرند و کمک کنند تا به این عرصه از فعالیت شتاب بیشتری بدهیم. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در طول دو دهه گذشته مرجع واقعی و مرکز رجوع پناهندگیان ایرانی و چراغ راهنمای آنها در پروسه انتظار برای گرفتن حق پناهندگی و یکی از پرنفوذترین و اجتماعی ترین سازمانها و نجات

کیفیت سایت و فعال کردن آن، مشاوره های حضوری، تلفنی و یا از طریق اینترنت. نوشتن نامه و بیانیه و غیره به دولت ها و مقامات و مراجع بین المللی و صدور اطلاعیه، نوشتن مطلب و تاییدیه ها و مصاحبه با رسانه های مختلف جزو فعالیتهای روتین و روزمره فدراسیون است.

فدراسیون همه روزه شاهد دریافت دهها نامه و سؤال و تقاضای تاییدیه و درخواست کمک و راهنمایی از جانب ایرانیان در نقاط مختلف دنیا است. تعداد تلفنها هم قابل شمارش نیست. لازم به ذکر است که امروز بیشترین درخواست کمک از فدراسیون مستقیماً از داخل ایران صورت می گیرد.

این مراجعین عمدتاً اطلاعات میخواهند، میخواهند بدانند باید چگونه پا به عرصه پناهندگی بگذارند و از کجا باید شروع کنند؟ شرایط پذیرش پناهندگان به چه صورت است؟ کودکان آنها در طول مدت انتظار از چه حقوق و مزایایی برخوردارند؟ چگونه باید حرف بزنند و چه مدارکی با خود داشته باشند تا به عنوان پناهنده پذیرفته شوند؟ اینها و دهها مسایل دیگر هرروزه روی میز فدراسیون قرار می گیرد و در حد توان به آنها پاسخ داده می شود.

برگزاری کمیتهای کوتاه مدت، هم در بعد سراسری و هم در بعد محلی برای جلوگیری از اخراج پناهندگیان و کارهای لایبستی یکی دیگر از عرصه های مهم فعالیت فدراسیون است. برای نمونه در همین ماه ژانویه ۲۰۱۱ سه پناهندهجوی بازداشتی و در حال اخراج را در ترکیه و سوئد آزاد کردیم و اکنون نیز در حال تلاش برای گرفتن اقامت آنها هستیم.

تقاضاهای تاییدیه از فدراسیون در میان بخش زیادی از پناهندگیان در ترکیه و کشورهای همجوار ایران بدلیل شرایط سخت پذیرش متقاضیان پناهندگی از جانب دفاتر سازمان ملل در امور

برای آزادی کیومرث کاسوی فر از بازداشت اداره مهاجرت در سوئد و گرفتن اقامت وی. این کیس هم به یکی از جنجالی ترین پرونده ها در سوئد تبدیل شد. فعالیت فدراسیون در این مورد چنان گسترده بود که مدیر کل اداره مهاجرت سوئد کتبا به نامه فدراسیون پاسخ داد و به او اقامت دادند.

نمونه جدیدتر کمپین دفاع از حق پناهندگی پناهندگیان اعتصابی در یونان بود که فدراسیون دخالت بسیار موثر و قدرتمندی در حمایت از مبارزه آنها داشت و خود پناهندگیان به آن اذعان داشتند و عملاً دادگاه اروپا به کشورهای عضو این اتحادیه اعلام کردند توافقنامه ایرلند مربوط به سال ۲۰۰۳ را در مورد یونان لغو کنند. تا این لحظه دادگاههای مهاجرتی نروژ، سوئد، ایسلند، هلند، دانمارک، بریتانیا و فنلاند اعلام کرده اند پناهندگیان را به یونان برنمی گردانند. این موضوع در دستور کار دادگاههای آلمان نیز قرار گرفته است. در واقع فدراسیون در سال گذشته چند مورد از کشور یونان به دادگاه اروپا شکایت کرد و بسیار هم تاثیر گذار بود.

همبستگی: به عنوان آخرین سؤال در این بخش از مصاحبه، پیام شما برای پناهندگیان و کلا فراریان از جهنم جمهوری اسلامی چیست و چه توصیه ای به آنها دارید؟

عبدالله اسدی: توصیه من به پناهندگیان این است که برای دفاع از حقوق خود متشکل شوند. دلایل فرار مردم از ایران بسیار روشن است رژیم اسلامی در ایران بعنوان سرکوبگرترین و جنایتکارترین رژیمها در مرکز توجه جهان قرار دارد.

باید در شرایط حاضر فقط "ایرانی" بودن هرکدام از پناهندگیان به عنوان دلایل پناهندگی کافی باشد تا حق زندگی آنها برسمیت شناخته شود. ولی باید برای دفاع از این دلایل در هر شهر و کمپ و کشوری این همبستگی در میان پناهندگیان ایجاد شود و معنی عملی

دهنده پناهندگیان گیر افتاده در بازداشتگاهها و مکانهای انتظار برای دیپورت به ایران بوده است.

فدراسیون یکی از آن معدود سازمانهایی بوده که تاکنون با تلاشهای آگاه گرانه اش در تقویت فرهنگ مبارزه متشکل برای دفاع از حقوق پناهندگیان و ممانعت از پناه بردن آنها به تنهایی و انزوا و جلوگیری از اعتصاب غذا و وارد کردن آسیبهای جسمی و روحی به جسم و روان خود و شکل دادن به يك فرهنگ مدرن مبارزه در میان پناهندگیان نقش بسیار برجسته ای داشته است.

در واقع فدراسیون برای اینکه بتواند کلیه عرصه های فعالیت خود را بپوشاند به نیروی تازه نفس در عرصه ترجمه، اداره سایت انگلیسی، مشاوره حقوقی و مسائل قانونی، پاسخ به نامه ها، گردآوری اخبار جدید پناهندگی و شکل دادن به واحدهای جدید فدراسیون در هر شهر و کشوری که ممکن است نیاز دارد.

همبستگی: آیا می توانید به چند نمونه از کارها و کمپینهای موفق فدراسیون در سال گذشته خیلی کوتاه اشاره کنید؟

عبدالله اسدی: در يك سال گذشته علاوه بر کارهای روتین و روزمره چند کمپین موفق هم داشته ایم؛ به چند مورد از آنها اشاره می کنم. کمپین برای ممانعت از اخراج نگار عزیز مرادی از ترکیه به ایران، دختر ضد دین ایرانی که از کنیا به ترکیه دیپورت شده بود. این کیس به جنجالی ترین پرونده در مطبوعات ترکیه تبدیل شد به طوری که نامه فدراسیون به دولت ترکیه در همین مورد در روزنامه حریت چاپ ترکیه انتشار یافت و دیپورت وی به ایران متوقف شد.

به دنبال آن کمپین برای آزادی و جلوگیری از دیپورت ۹ پناهندهجوی دیگر ایرانی از ترکیه به ایران که موفق به آزادی و پذیرش همه آنها به عنوان پناهنده از سوی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل شدیم. کمپین

پیدا کند. فدراسیون ظرف تشکل و مبارزه پناهندگیان ایرانی است باید در این ظرف گردهم آیند.

عبدالله اسدی
دبیر همبستگی، فدراسیون سراسری
پناهندگان ایرانی
۲۳ فوریه ۲۰۱۱

**ایران تحت
حاکمیت جمهوری
اسلامی کشوری
امن نیست، هیچ
پناهندهجوی ایرانی
نباید به ایران
بازگردانده شود**

**به فدراسیون
سراسری
پناهندگان ایرانی
کمک مالی کنید**

Plusgiro 200974-4